



مکتب اخلاقی اسلام (۱۲): رازداری و تفاهم بین مسلمانان

پدیدآورنده (ها) : حقانی زنجانی، حسین

فلسفه و کلام :: نشریه درسهایی از مکتب اسلام :: آبان ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۸

صفحات : از ۴۶ تا ۴۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/76962>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- دوری از رذائل اخلاقی و نیل به جامعه‌ی مطلوب انسانی از دیدگاه علامه طباطبایی رحمه الله
- شکر در قرآن کریم
- دعا، قضا و قدر
- بررسی چالش‌های آموزش مجازی و کرونا
- بررسی دیدگاه غم و شادی در نهج البلاغه با تمرکز بر روش‌های شادی‌آفرین
- نقش شادی و نشاط در سبک زندگی اسلامی
- قضا و قدر
- عوامل مؤثر بر شادی از نگره قرآن و روان‌شناسی
- مفهوم شادی و نشاط از دیدگاه قرآن، مبانی اسلامی و سیره و کلام ائمه معصومین (ع)
- بررسی جایگاه خانوادگی و اجتماعی عفو و بخشش در آموزه‌های دینی
- آثار تربیتی عفو از منظر قرآن مجید
- راههای تقرب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان

عناوین مشابه

- مکتب اخلاقی اسلام: تکامل و تقوا
- مکتب اخلاقی اسلام: تظاهر و ریاکاری
- بررسی تطبیقی مؤلفه‌های اخلاقی نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت و اندیشه اسلام
- مکتب اخلاقی اسلام (۲۵): پارسایان از دیدگاه قرآن و اخبار
- مکتب اخلاقی اسلام (۳۱): زشتی و نکوهش تهمت از نظر قرآن
- مکتب اخلاقی اسلام (۴): بیماری بخل و راههای مبارزه با آن
- مکتب اخلاقی اسلام (۳): انگیزه‌های حرص و اشکال مختلف آن
- مکتب اخلاقی اسلام (۲۹): استکبار و تقوی
- مکتب اخلاقی اسلام (۲۶): استقلال فکری و فرهنگی در سایه تقوا
- مکتب اخلاقی اسلام (۵) // بی‌تابی و دلهره ارمغان تمدن ماشینی

رازداری

و تفاهم بین مسلمانان ...

اختیار دیگری قرار می‌دهد.

در این مورد روایات زیادی از رهبران دینی ما رسیده است که برخی از آنها را در شماره گذشته از نظر خوانندگان گرامی گذرانیم.

دراهمیت این عمل همین بس که درپاره‌ای از احادیث کتمان سر را یکی از وظایفی می‌داند که در هر حال باید عملی گردد حتی در صورتیکه صاحب‌راز، وظیفه خود را در موردی مراعات نکرده باشد و بطرف، خیانت ورزد.

چنانکه علی (ع) در وصیت خویش

به پسرش امام حسن (ع) فرمود:

" لاتخن من ائمتنک وان خانک
ولاتذع سره وان اذاع سرک^۱

یکی از موارد زیر بنائی جامعه سالم اسلامی، اعتماد و یکرنگی افراد نسبت به یکدیگر می‌باشد و در سایه اعتماد است که قوانین اسلام بدون تشریفات، بسهولت در خارج پیاده شده، روابط افراد در هر سطحی که فرض کنیم باسانی وضع طبیعی خود را سیر می‌کند. اسلام در تشریح قوانین خود، بنحو اعجاز آمیزی، حصول اعتماد و بقاء آنرا در هر مورد، به نحوی مورد عنایت جدی قرار داده است.

از جمله این دستورات، رازداری و حفظ اسرار دیگران است که مستقیماً از اعتماد طرفین حکایت می‌کند به طوری که اسرار درونی، خود را بدون مضایقه در



مسلمانی را بعنوان کشف سر با لحن شیددی مورد تقبیح قرار داده است زیرا این عمل با حیثیت افراد و مروت و اعتماد متقابل مردم نسبت بیکدیگر، رابطه مستقیمی دارد.

امام صادق (ع) فرمود: من روی علی مومن بیربدها عیبه وهدم مروته اقامه الله عزوجل مقام الذل یومالقیامه حتی یخرج مما قال^۲

کسیکه حادثه‌های را از برادر مسلمان خود بداند و آنرا نقل کند و منظورش از آن عیب‌جوئی و لکه‌دار ساختن جوانمردی او باشد خداوند در روز ستاخیز او را از رحمت خود دور کرده، در جای ذلت‌آوری قرار می‌دهد تا از آنچه گفته و آشکار ساخته‌است اظهارندامت کند.

و باز از آنحضرت منقول است: من اطلع علی مومن علی ذنب او سیئه فافشی ذلک علیه و لم یکنمها و لم یستغفرالله، کان عندالله کماهلها وعلیه وزر ذلک الذی افشاء علیه...^۳

کسیکه از عیب یا گناه برادر مسلمان خود، اطلاع پیدا کند و آنرا نزد دیگران افشاء کند و برای او استغفار ننماید گناه او نزد خداوند مثل انجام دهنده آن گناه می‌باشد و برای او وزری مثل وزر عامل آن گناه می‌باشد.

رازداری و کتمان س چندان کار آسانی نیست زیرا نیاز بر قدرت روحی و

پسرم به‌کسیکه بتو اعتماد کرد خیانت نکن گرچه او بتو خیانت کرده ، راز تو را فاش سازد ولی تو (هرگز) راز او را آشکار مکن. حال ممکن است بپرسید تعهد و مسئولیت یکطرفه چه معنی دارد؟ آیا این دستور بمعنای پامال کردن حقوق دیگران نیست؟

در پاسخ آن می‌گوئیم که:

اولا از ظاهر این جمله (ولانخن من ائتمنک) بخوبی پیداست که صاحب سر باو اعتماد کرده است و شارع راضی نیست اعتماد که رکن اصلی تفاهم بین جامعه مسلمین است و با مصالح همه ی مردم سروکار دارد بمجرد اینکه شخصی بوظایف خود عمل نکرده است متزلزل شود.

و ثانیاً چه بسا ممکن است عمل او بوظیفه، به تنهایی با توجه به اینکه طرف خود را خیانت‌کار می‌داند مستقیماً در روح او موثر واقع شده و دگرگونی بنیادی در روح و روان او نیز ایجاد کند و او را از انحراف و کج روی نجات دهد و در نتیجه از خیانت دست بردارد و در حقیقت انجام وظیفه^۴ یکی از طرفین، بطور غیر مستقیم در اصلاح طرف دیگر تاثیر بسزایی داشته باشد. و اسلام در تدوین قوانین خود باینگونه ریزه‌کاریهای روانی نیز توجه عمیق دارد.

از اینرو اسلام اشاعه عیب

۱- مجلسی که خونی بناحق در آن ریخته شود.

۲- مجلسی که در آن رابطه نامشروع برقرار گردد (مجلسی که پای ناموس و خیانت به آن در میان باشد).

۳- مجلسی که در آن مال غیر، حیف و میل گردد.

پیامبرگرامی اسلام (ص) فرمود:

المجالس بالامانه الا ثلثه مجالس، مجلس سفک فیه دم حرام و مجلس استحلال فیه فرج حرام و مجلس استحلال فیه مال حرام بغير حقه^۵

یعنی آنچه در مجالس می‌گذرد نزد اهل آن مجالسها امانت است (و نباید فاش گردد) مگر در سه مورد ریخته شدن خون بناحق، وانجام گرفتن عمل نامشروع و بردن مالی که بردنش حلال نباشد (در این سه مورد اهل مجلس می‌توانند در موقع احقاق حق نزد قاضی شهادت دهند).

و فقهاء این موارد سه گانه را تحت عنوان (دما و نفوس و اعراض و حرمت مال غیر) در کتب فقه مورد بررسی قرار داده‌اند و آنها را با اهمیت تلقی کرده‌اند و سر آن نیز واضح است زیرا پرده پوشی در آن موارد و عدم اظهار حق، گرفتاریها و زیانهای غیر قابل جبرانی به حسن روابط جامعه و افراد و مسیر طبیعی آنها وارد می‌آورد و باعث

فتوت و غیرتی دارد که حصول بلکه تحصیل آن از حیظه قدرت همه‌کس خارج است از اینرو آثار مهمی نیز دارد که در برخی از روایات به آنها اشاره شده است.

امام موسی بن جعفر (ع) فرمود:

سه طائفه‌اند که در زیر عرش خداوند در روزیکه پناهی جز رحمت حق نیست جای میگیرند:

۱- کسیکه وسیله ازدواج برادر مسلمان خود را فراهم آورد.

۲- کمک و یاری او را بعهده بگیرد

۳- راز او را پوشیده دارد^۴

ممکن است نظر شارع در این ممنوعیت علاوه بر اینکه از شیوع فساد در امور جامعه مسلمین و برداشتن قبض گناهان جلوگیری کرده است چه بسا این کار موجبات ندامت بدکار و راه برگشت او را بسوی صلاح و توبه فراهم آورد بدون اینکه حیثیت او در میان مسلمانها هتک شده باشد.

حال باید دید فاش ساختن اسرار دیگران در همه حال گناه است یا موارد استثنائی نیز وجود دارد؟

مطالعه قوانین اسلام در ابواب مختلف فقه و کتب روایات نشانگر این حقیقت است که سه مورد، از این ممنوعیت خارج است یعنی سه مجلس است که اسلام بجهت اهمیت آنها، افشای سر آنچه را که در این مجلس می‌گذرد جایز می‌داند:

محمود طلوع - تهران

بحثی کوتاه پیرامون

مقام زن



چرا در کشور پیشرفته سوئد سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر دست به خودکشی می‌زنند؟

چون آزادی زن و مسائلی از اینگونه، همیشه مورد بحث بوده و عده‌ای دانسته یا ندانسته عمدی و یا سهوی، مباحثی را عنوان کرده و به جهت وهدفی خاص خود، رهنمون شده‌اند، بدینوسیله لازم دیدم مختصری در زمینه مقام زن به پژوهندگان حق و حقیقت تقدیم کنم شاید که از این رهگذر چشمی بینا ودلی بیدار گردد.

زن همانند مرد عضوی فعال و کارساز جامعه است و هیچگاه از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مخصوصا مسائل زیربنایی جامعه بلکه جوامع جهان - اعم از تطوریافته و یا در حال تطور و ابتدایی-دور نبوده است. نقش سازنده زن مطلبی نیست که مورد اتفاق ملل و مکاتب مختلف نباشد - جز مواردی استثنایی

مثل جوامع کاستی CASISOCIETY هند و نیپال و سیلان که مرد و زن هر دو در قشری پست و بدون ارتقاء اجتماعی بسر میبرند.

گو اینکه شناسایی حقوق طبیعی، اجتماعی و... زنان در جوامع مختلف گونه‌گون و به جهت اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، سنتی، مذهبی مختلف است ولی کمتر در جوامع فعلی دیده می‌شود که حقوق قطعی زنان مورد توجه قرار نگرفته باشد. مسئله‌ای را که در اینجا می‌توان عنوان کرد این است که آیا در صورت محرومیت زنان از حقوق خویش چه کسی و یا چه کسانی مقصرند؟ خود زنان، مردان، دولت‌ها و یا هیچکدام؟ و این بحثی است پیرامنه که بررسی آن به موشکافی و جستجو در متون تواریخ و کتب ملل و نحل دارد و شاید به سادگی نتوان از عهده آن بدرآمد ولی حقیقتی را که میتوان باور داشت این است که آیا خود مردان آزادی‌بانی را که باید داشته باشند دارند؟



آزادی زن در گذشته

در مورد آزادی زن در کلیه ادوار کافیت رجوعی به کتب تواریخ داشته باشیم تا ببایم که زن چه بوده چه هست، و چه باید باشد؟ تعجب می‌کنیم از کسانی که نسنجیده مطالبی رطب و تیاس می‌یابند و خود ملهم از خوش باوری، ساده لوحی، و یا حماقت، یافته‌های خود را باور میدارند و جالبتر اینکه این لاطائلات و ترهات را با آب و تاب بخورد خلق الله می‌دهند و انتظار دارند که باور کنند و به به گویند.

زن در تمدنهای باستان چون ایران و یونان وضعی در خور ذکر ندارد. به جز اینکه زنان همچون مردان در اقتصاد و کشاورزی دوران ساسانی در مسکنت و بدبختی و پریشانی بسر میبرده‌اند و تنها زنان شهری - و نه همه زنان - وابسته به نظامیان و دیوانیان و مغان و دبیران از وضعیتی نسبتا بهتر از لحاظ اقتصادی و نه از نظر سیاسی و اجتماعی بهره‌مند بوده‌اند.

در دوره ساسانی نه تنها زنان بلکه مردان نیز از تحصیل علم محروم بوده‌اند چه تحصیل علم را موهبتی خاص خاندان شاهان و درباریان و امیران و مغان می‌دانسته‌اند زن عرصه‌سازانی فقیره بی‌سواد و محروم از هرگونه حقوق اجتماعی و طبیعی بوده‌است.

و گویانکه بنام برده خرید و فروش نمیشده - چون اعتقاد بر اینست که ایران از مرحله برده‌داری در اعصار جامعه‌شناسی عبور نکرده است - سولی همه‌مخاصص. و عوارض و سیستم برده‌داری بر مرد و زن عصر ساسانی و حکومت ساسانی منطبق است.

حرمسراهای عصر ساسانی و مخصوصا حرمسرا و آشپزخانه سیار چندین کیلومتری انوشیروان و خسرو پرویز دلالت بر وضعیت خاص زنان و عدم توجه به موقعیت اجتماعی آنان دارد چند همسری نه تنها در طبقات بسیار مرفه بلکه در سایر طبقات نیز دیده میشود. پس اگر شاه بانوئی و یا شاهزاده خانمی در تاریخ می بینیم که به شاهی رسیده است دلیل بر آزادی و آزاد اندیشی زنان آن عصر نبوده بلکه خیلی ساده شاهی را بارت برده و یا پایدار ماندن و دوام حکومت و مقتضیات دیگر، تفویض آن مقام به بانوئی از فلان خاندان و یا از خانواده‌های وابسته را ایجاب کرده است و این کاملا با مفهوم تساوی مرد و زن در همه شئون متفاوت بوده و قانونی نیست که بتواند بر همه زنان آن عصر شامل گردد چون خاص خاندان دیوانی و درباری بوده است.

در بررسی تاریخ یونان نیز جز بانواع خدایان که تقریبا همه باسامی زنان موسوم بوده‌اند بر نمی‌خوریم و هرگز دیده نشده که زنان " یونانی"، " اسپارتی" و رومی خاکمیتی حتی بر نفس خویش داشته باشند.

موقع و موضع اجتماعی زنان و موقف آنها از جهات انسانی در عصر پیش از اسلام نیز بر همه روشن است - زنده بگور شدن دختران نوزاد، نفرت عمومی از زنان، عدم دخالت زنان در امور خانوادگی و اجتماعی، عدم رعایت احترام آنان از طرف مردان - بهره‌کشی و تمتع جسمی و شهوانی بی‌حد و حصر از آنان خلاصه‌ای از موقعیت زنان در جوامع پیش از اسلام چه در جزیره العرب و چه در بین سایر جوامع و قبایل سامی است.



با ظهور دیانت اسلام که آخرین و کاملترین ادیان است خط بطلان بر همه آراء و عقاید پوچ پیشینیان کشیده شده زنان همچون مردان از همه مواهب طبیعی زیستی، اجتماعی، حقوقی، برخوردار شدند. بطوریکه در زمان کوتاه زندگی و حکومت اسلامی در زمان پیامبر (ص) - ۲۳ سال - نمونه‌های زیادی به‌ظهور رسیده نشانگر پایگاه و مقام اجتماعی زنان در زمان آنحضرت شد.

اسلامی که برای شیردادن زن به فرزند خود شوهر را ملزم به پرداخت شیربها به زن می‌کند - چون شیر از آن زن است و زن حق مالکیت بر خود و نفس خویش دارد.

اسلامی که زن را به منتهی درجه آزادی و استقلال بالا برده مردان بدون اجازه زن، مجاز به ورود در زندگی وی نیستند، اسلامی که برای مرد و برای زن شخصیتی مجزا و حقوقی مشخص تعیین می‌کند و تجاوز بحقوق طرفین را از هر دو طرف تقبیح و او را مجازات می‌کند.

اسلامی که سوادآموزی و دانش اندوزی را بر مرد و زن هر دو واجب میدانند و برخلاف قانون غیرانسانی زمان ساسانی، تعلیم و تربیت را حق همه طبقات میدانند. اسلامی که آزادی را به یک نسبت به مرد و زن اعطا کرده جز آنکه مرد را در زندگی زناشوئی بعلل مختلف که بر ارباب بصیرت روشن است سرپرست و ولی افراد خانواده و زن را معاون او قرار داده است و دیده شده که در خانواده‌هایی که هنوز مادرسالاری حکمفرماست و مرد نقش درجه بعد را بازی می‌کند وظائف خانواده کاملاً دگرگون بوده هرج و مرج و بدبینی و کینه توزی در بین افراد آن خانواده ریشه دوانیده و چه بسیار خانواده‌هایی از این قبیل که بسرعت به سوی نابودی کشانده شده است.

اگر صحبت از تساوی و آزادی زن و مرد است منظور این نیست که زنان اعمال و رفتار مردان را و بالعکس مردان افعال و کردار زنان را داشته باشند. جوامعی چون سوئد و دانمارک - و اصولاً کلیه کشورهای اروپائی - که پیش‌تاز آزادی زنان بسبب جدید هستند خود نمونه‌هایی از بی‌بندوباری، فحشاء اخلاقی و فساد اجتماعی شده‌اند که هر آزادیخواهی را از یک چنین آزادی بی‌شرمانه‌ای، خجل و سرافکننده می‌کند. آیا حرکات معقول زنانه موجب افزایش شخصیت زنان می‌شود یا ادای مردان را درآوردن؟ - آیا یک زن مکشوفه بی‌سواد بصراف کشف‌حجاب، با سواد، مترقی و متمدن می‌گردد و آن زن با سواد "باحجاب" بی‌سواد، امل، وفتاتیک؟



آیا هیچ میدانید در همین حالیکه زنان ما سنگ آزادی، برابری و تساوی اجتماعی با مردان را بسینه می‌زنند زنان سوئیسی، ایتالیائی و فرانسوی، و بلژیکی که بر مراتب بخیال خودمان - و مخصوصاً مستفرنگ‌هایمان - مرفه‌تر آزادتر، و با

سوادتر هستند بقوانین مصوبه پارلمانهای خود گردن می‌تهند چه می‌دانند — شخصیت زن مطلبی است و حقوق سیاسی و اجتماعی زن مطلبی دیگر و گو اینکه بعضی از قوانین آنها منجمله قانون سلب مالکیت از زن پس از ازدواج، کاملاً با حقوق زن در اسلام و حتی با حقوق زن در ایران — که از جهاتی از قانون اسلام بوده — مغایر است ولی هرگز چنین هدف و گرافهائی زده نشده است.

اصل تسلیط در قانون مدنی ایران حاکی است از اینکه هرکس از مرد و زن برمال و جان خویش مسلط است — این اصل قانونی عیناً از اصل مسلم فقهی، الناس مسلطون علی اموالهم اخذ شده است — در حالیکه قوانین کشورهای فوق ضمن ردکردن این اصل مهم زیر بنائی، زن را به محض ازدواج با مرد فاقد هرگونه صلاحیت در اداره مایملک دانسته و حتی حق اجاره دادن هستی و مایملک را از او سلب مینماید.

همین ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی خودمان هیچ میدانید مطابق قوانین جزائی اروپا است و هم‌اکنون مفاد این قانون در بسیاری از کشورهای اروپائی چون بلژیک، سوئیس، فرانسه کمابیش اجرا میشود و اگرهم موردی صورت نگیرد که منجر به استفاده از قانون فوق گردد معهداً این قانون را که مقننین مجرب و دلسوز برای بقای جامعه و حفظ استقلال خانواده‌ها و گریز عفریت فحشاء و فساد، از خانواده‌ها و بالمال از جامعه وضع و تقنین کرده‌اند بحال خود ابقاء میکنند و لااقل برای اینکه حرمت خانواده و جامعه را حفظ نمایند از لغو و نسخ قانون مزبور خودداری مینمایند چون میدانند لغو و نسخ قانون مزبور یعنی حرمت علم و عقل را شکستن یعنی شعور و درک و وجدان انسانی را فراموش کردن، یعنی اجازه دادن به افراد قانون شکن تا بحریم خانواده‌ها و ناموس مردم و جامعه‌ها تجاوز نمایند، همچنانکه لغو قانون اعدام عدالت و عدالتخواهی نیست چون عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که حکم اعدام باشد حتی اگرچه اجرا نشود...

بقیه - شماره آینده



عوامل ایجاد مشکل برای جوانان

سیف الله بهاری

گروهی از صاحبانظران، نوجوانی را مرحله انتقال از دوره کودکی به بزرگسالی تعریف کرده‌اند البته هدف از این تعریف این نیست که نوجوانی راهی است برای رسیدن به بلوغ بلکه هریک از مراحل رشد در حد خود دوره ای از زندگی است که فرد باید از آن بهره‌مند شود و تنها بزرگسالی هدف و غایت زندگی نیست. بعلاوه نقص رشد دریک مرحله از زندگی در دوره‌های بعدی تاثیر مستقیم می‌گذارد.

مراحل رشد را نباید بصورت راهی مستقیم از خردسالی به بزرگسالی تصور نمود. و دراین صورت نباید خردسال را الگوی کوچک شده نوجوان ونوجوان را الگوی کوچک‌تر بزرگسال پنداشت.

هردوره از زندگی را باید به مثابه مرحله‌ای تصور کرد که گرچه به دوره قبل مرتبط خواهد شد اما ویژگی‌های مختص بخود دارد، چه از لحاظ کمی و چه از جهت کیفی که باید مورد توجه قرار گیرد و به کمال خود برسد تا رشد طبیعی دوره‌های بعدی را تسهیل کند.

ضرب المثلی است که می‌گوید: به کودکی که اجازه کودکی کردن داده نشود، تا آخر عمر کودکی خواهد کرد. پس افرادی به بلوغ اجتماعی مناسب خواهند رسید که مراحل رشد را با تمام خصوصیات آن بطور مطلوب گذرانده باشند. نوجوانی مرحله تغییرات سریع از لحاظ جسمی و روانی است، بنابراین

می‌توان آن را دوره بحرانی زندگی نامید. رشد سریع جسمی، عدم تناسب اعضای بدن، قرارگرفتن بین‌ارزشهای متفاوت بزرگسالان و همسالان، بروز خصوصیات جنسی، و صدها عامل دیگر از جمله مسائل بیشماری هستند که سلامت و تعادل جسمی و روانی فرد در گرو حل صحیح آنها است.

دراین رهگذر آنچه درخور اهمیت است آنست که بزرگسالان، نوجوانان و خصوصیات آنها را درک کنند تا مشی صحیح در قبال آنها اتخاذ نمایند.

ازطرف دیگر نوجوانان نیز باید خصوصیات این مرحله از زندگی را بشناسند تا تحولات طبیعی و جسمی و روانی، بی‌جهت آنان را مضطرب نکند.

اگر قرن بیستم را روانشناسان قرن اضطراب نامیده‌اند این نامگذاری در مورد نوجوانان بیشتر صدق می‌کند جدول زیر میزان اضطرابها و نگرانیهای نسل جوان را در یک تحقیق که در سال ۱۳۴۴ صورت گرفته نشان میدهد

اضطرابها و نگرانیهای دختران و پسران جوان

نوع نگرانی و اضطراب	پسر	دختر
نگرانی از عدم موفقیت در امتحانات	۱۵%	۲۹%
نگرانی از بیماری و سرنوشت نامعلوم	۲۴/۵%	۱۶%
فاقد ناراحتی	۱۱%	۱۵%
ناراحتیهای مبهم	۹/۵%	۱۴%
ناراحتیهای مادی	۹/۵%	۲/۷%
ناراحتیهای خانوادگی	۶%	۵/۳%
موارد دیگر	۱۱%	۸%
بدون جواب	۱۳/۵%	۱۰/۵%

برای بحث علمی دراین زمینه قبل از هرچیز باید به این مسئله توجه کنیم که مشکلات متعدد جوانان از چه عوامل و شرایطی ناشی میشود، چطور می‌توانیم این مسائل را بررسی کنیم و در حد امکان با توجه به خصوصیات و ارزشهای اجتماعی ارائه طریق نمائیم؟

عوامل بنیادی و مسائل و مشکلات نوجوانی

جریان رشدگرچه جریانی است مداوم که از بدو تشکیل جنین تا بلوغ ادامه دارد ، ولی در دوره نوجوانی این جریان بگونه‌ای است که اغلب مسائل و مشکلاتی برای نوجوانان ایجاد میکند. موقعی که از رشد سخن میگوئیم مقصود تنها رشد جسمی نیست بلکه رشد همه‌جانبه و در تمام زمینه‌ها مورد نظر است در مرحله نوجوانی بین جنبه‌های مختلف رشد هماهنگی کامل وجود ندارد ممکن است فردی از نظر جسمی رشد سریع‌تر داشته باشد در صورتی که از نظر عاطفی از پیشرفت مورد انتظار برخوردار نباشد، یا اینکه تناسب اعضای بدن برای مدتی محدود بر هم بخورد. عواملی از این قبیل و بروز برخی خصوصیات و حالات جدید نظیر ترشحات مختلف داخلی ارگانیزم که اغلب ثبات عاطفی و تعادل فرد را برهم میزند احتمالاً نوجوان را نگران و مضطرب می‌سازد. در این مرحله راهنمایی فرد و کمک به سازش او اهمیت فراوان دارد. بدیهی است اگر پیش‌بینی لازم برای حل صحیح این مسائل صورت نگرفته باشد، مشکلاتی بی‌ار خواهد آورد که در مراحل بعدی زندگی نیز فرد را رنج خواهد داد.

در این مرحله از زندگی باید خصوصیات جسمی و روانی را از طریق صحیح به نوجوان شناساند تا با دیدی واقع بینانه با مسائل مواجه شود و عکس-العمل نادرست از خود نشان ندهد.

تحولات سریع اجتماعی

در جوامع ساده قدیم راه جوانان در بسیاری از مسائل زندگی مشخص و روشن بوده است و راهنمایی‌های عملی بزرگسالان و تعلیم و تربیت غیر عمدی کفایت می‌کرده است. لیکن تدریجاً که جوامع تحول و تکامل یافت به لحاظ وجود راه‌های متعدد و شاخه‌های تحصیلی متفاوت و غیره، کار انتخاب عاقلانه مشکل‌تر گردید. گذشته از این ارزشهای متفاوت و تحول سریع عوامل فرهنگی نیز بر بار مسائل نوجوانان افزوده است.

دستگاه‌های تعلیم و تربیت باید بکوشند که جوانان را با افکار منطقی و در عین حال انعطاف پذیر پرورش دهند تا بتوانند از رسوم و عادات و ارزشهای

متعدد و متفاوت جامعه متحول امروز انتخاب اصلح بعمل آورند و در عین حال ویژگیهای فرهنگ ملی را نیز ارج بگذارند.

ازدیاد وسائل ارتباط جمعی

ازدیاد وسائل ارتباط جمعی، جوامع دور و نزدیک را در معرض تراوشهای فرهنگی یکدیگر قرار داده است مخصوصاً عظمت تکنولوژی کشورهای پیشرفته، نسل جوان کشورهای درحال پیشرفت را که خواهان ترقی و تحول هستند سخت تحت تاثیر قرار داده تا جائیکه هرگونه آداب و رسوم که از مغرب زمین می‌رسد تصور میکنند بر ارزشهای جوامع خودشان برتری دارد و در نتیجه بدون چون و چرا آن را می‌پذیرند.

از طرف دیگر در چنین موقعیتی بین عقاید نسل جوان و سالخوردگان جامعه از لحاظ ارزشها تفاوت فاحشی بوجود می‌آید این امر سازش بین سالخوردگان سنت گرا و جوانان نوگرا را مشکل میسازد.

والدین باید به منظور پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی بین عقاید خود و فرزندانشان از طریق منطقی ارتباط مطلوب برقرار کنند. در این زمینه موسسات تربیتی بمنزله واسطه و پیوندی هستند بین افکار و نگرشهای نسل جوان و سالخوردگان، بنحویکه هم اصل مهم تحول و نوآوری منطقی مورد نظر باشد وهم از تجارب ارزشمند سالخوردگان حد اکثر استفاده بعمل آید و پیوند عاطفین بین فرزندان خانواده و بزرگسالان که از خصوصیات مطلوب و فرهنگی است کماکان محفوظ بماند.

مهاجرت از روستا به شهرها و ایجاد شهرهای غول‌پیکر

پیشرفت صنایع و اجتماع آنها در شهرهای بزرگ موجبات مهاجرت روستائیان را به این اماکن فراهم ساخته است، بدیهی است در این جریان نوجوانان بر اثر تغییر محیط فرهنگی و اجتماعی با مشکلاتی مواجه میشوند، از طرفی تغییر مسکن و مدرسه که در حال حاضر بکرات صورت می‌گیرد، هربار سازشهای مجددی را ایجاب میکند که در بسیاری از مواقع ممکن است موجب عقب‌ماندگی شود.

در شهرهای متراکم عصر صنعتی امروز وسائل ورزشی و سرگرمی اندک است در صورتیکه این مسئله در رشد و نمو جسمی و روانی و سازش نوجوانان اهمیت اساسی دارد. رسیدن به بلوغ اجتماعی و رشد کافی مستلزم تماس مستقیم با طبیعت

و اجتماع است. جوانان ساکن شهرهای بزرگ نه تنها مواهب طبیعی را از دست میدهند بلکه بعلت مشکلات ناشی از خصوصیات شهرهای متراکم، تماس اجتماعی آنها نیز اندک و محدود است.

پیوندهای عاطفی بستگان و همسایگان و آشنایان در اینگونه شهرها مراتب کمتر از ساکنان روستاها و جوامع قدیمی است چنین موقعیتی برای نسل جوان که نیازهای عاطفی آنان بیشتر است یک موقعیت نامساعد میباشد.

در این جریان وجود مشغله و گرفتاریهای زیاد باعث شده است که حتی والدین نیز از حال فرزندانشان غافل باشند، در یک مطالعه تحقیقی از ۱۴۹۰ دانش آموز سؤال شد که:

"در جریان آخرین سال تحصیلی آنان در دبیرستان چند بار والدینشان بامدرسه تماس گرفته اند؟ حاصل این تحقیق، محدودیت بیش از اندازه روابط والدین و مدارس را نشان میدهد.

پیدایش نیازمندیهای جدید براساس تحولات اجتماعی

در جوامع ساده نیازها نیز سادهتر و محدود تر است، بتدریج که اجتماع گستردهتر و پیچیدهتر میشود نیازهای متعدد و متفاوت بوجود میآید، حیوان ناگزیر از سازگاری طبیعی است در صورتیکه انسان ناچار است با جامعه سازگار باشد و در این صورت است که با نیازهای ناشی از آن نیز باید مواجه شود. برخورداری از تحصیلات پیشرفته، اطلاع از معیارهای جدید اجتماعی، استفاده از وسائل ارتباط جمعی و سرگرمی، وجود کتابخانه، موزه و غیره از جمله مسائلی است که در جامعه امروز موقعیت خاصی احراز نموده است.

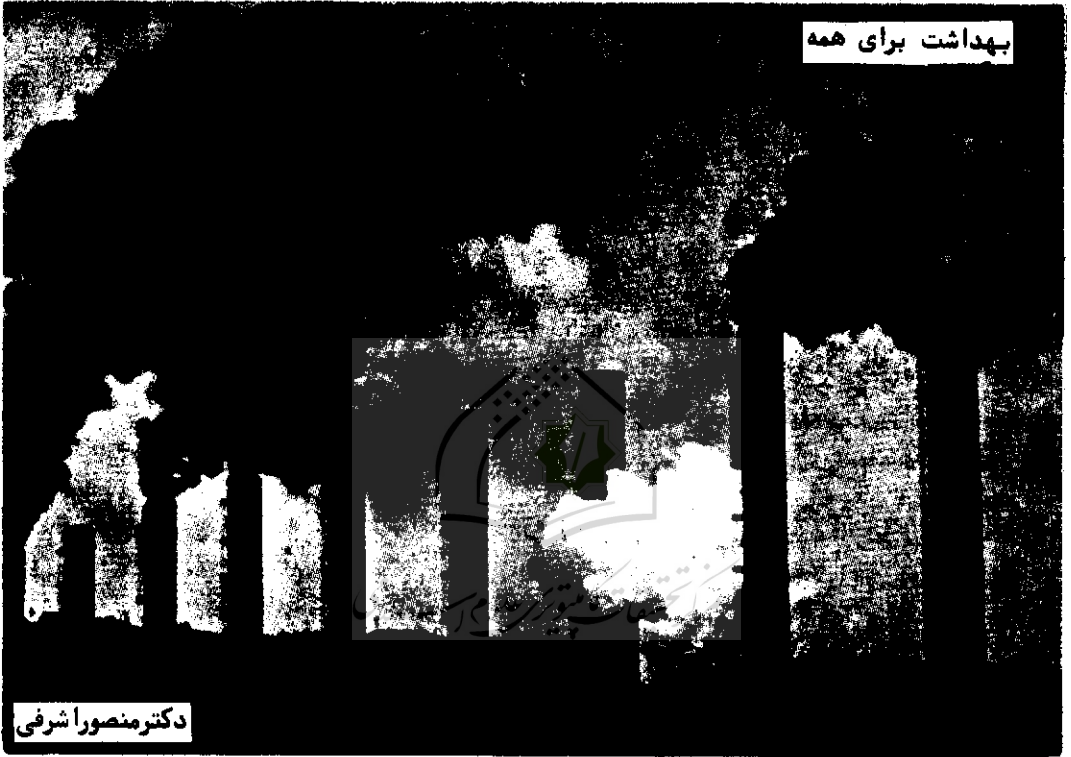
لزوم تخصص و مهارت در عصر حاضر، دوره تحصیلات را طولانی تر کرده، استانداردهای جهانی، اصل مهم بینش و جهان بینی را در بسیاری از موارد ضروری ساخته است، تلقین همسالان و آرزوهای دور و دراز و عدم توانایی رسیدن به آنها در بسیاری از موارد موجب یاس و بدبینی نسل جوان می شود. وبالاخره بیکاری ناشی از بحرانهای اقتصادی گاه مزید بر علت می گردد و مسائلی از این قبیل که زائیده تحولات اجتماعی و اقتصادی است.

(تلخیص از نشریه دانشکده علوم انسانی

دانشگاه آذربایجان)

مطالب فشرده درباره آلودگی محیط زیست

بهداشت برای همه



دکتر منصور اشرفی

نتایج وخیم آلودگی محیط

دهد ولی آلودگی محیط که در این چند دهه اخیر دامگیر بشر و سایر جانداران و حتی نباتات شده است در تاریخ حیات بشر نظیر ندارد زیرا این گرفتاری روز بروز شدیدتر شده و تقریباً به جایی می‌رسد که بی‌علاج می‌گردد. برای اینکه متأسفانه بشر امروزی دفاع موثری برای مبارزه با این آلودگی ندارد و می‌توان گفت که بشر امروزی به دست

بجرات می‌توان گفت بشر از بدو خلقت تاکنون با بلائی نظیر آلودگی محیط زیست روبرو نشده است تمام بلاها بیماریها، گرفتاریها و بالاخره کشتارها دردوران معینی از تاریخ بوده اند و بشر توانسته است پس از مدتی باز قد خود را راست نماید و به زندگی عادی ادامه

زیادی گردوخاک را گرفته با ترشح مجرای بینی و لوله‌های تنفسی مخلوط کرده و به خارج دفع کنند. همچنین اگر غذای سمی خورده باشیم دفاع بدن بکار می‌افتد و با استفراغ آن ماده سمی را دفع میکنیم و در بعضی موارد اسهال نیز باین امر کمک می‌کند کبد نیز مقدار زیادی از سموم محیط را که وارد جریان خون شده باشند دفع و یا خنثی می‌کند.

طرز آلودگی محیط زیست

آلودگی هوا برای اجداد ما بوسیله سوزاندن هیزم در بخاری و پانتور و یا گردوخاک و غیره ایجاد میشد و حداکثر آلودگی هوا از دود حاصل از آتش‌سوزی جنگل بوجود می‌آید و بدن انسان به خوبی و راحتی قادر است با چنین آلودگی‌های بی‌اهمیت محیط زیست مبارزه کند، امروزه وسایل دفاع همانست که اجداد ما داشتند ولی در عوض آلودگی محیط اساسا قابل مقایسه با ازمنه تاریخی نیست. دود سموم شیمیایی که از لوله‌های کارخانه‌ها، نیروگاههای برق و آگزوست اتومبیل‌ها بیرون می‌آیند در هوا پخش می‌شوند و براحتی داخل شش می‌شوند و از آنجا نیز براحتی وارد جریان خون می‌گردند. بعضی از ذرات فلزی مانند سرب اینقدر سنگین هستند که موهای ریز داخل بینی و مخاط مجاری تنفسی

خود پيله‌ای بدور خود می‌تند که روزی در داخل آن خفه خواهد شد. بیماریهای قلبی، سرطان، بیماریهای کبدی، و مسمومیت با فلزات بطرز وحشتناک همگام با آلودگی هوا پیش می‌تازند.

کشورهای پیشرفته صنعتی هرچه قدر در علم و تکنیک پیشرفت کرده اند همانقدر نیز در آلوده کردن محیط زیست پیش قدم شده‌اند.

کشورهائی که درجاده صنعتی شدن قدم بر میدارند نباید اشتباهات کشورهای صنعتی آمریکا و اروپا و ژاپن را تکرار کنند و کارخانه‌های بزرگ را در مراکز پر جمعیت و پرتراکم بسازند.

آلودگی محیط زیست از اوایل قرن بیستم شروع شد ولی در همان اوان فقط عده محدودی از مردم مانند معدنچیان و کارگران کارخانه‌ها در معرض خطر بودند ولی امروزه تمام مردم جهان بطور اعم و مردم کشورهای صنعتی بطور اخص در معرض خطرات ناشی از آلودگی محیط هستند.

دفاع بدن در مقابل آلودگی هوا

ساختمان بدن انسان طوری است که تا حدودی میتواند با آلودگی هوا مبارزه کند ولی بیش از آن حد قادر نیست این مبارزه را ادامه بدهد. موهای ریز داخل بینی و مخاط تنفسی می‌توانند مقدار

می‌خورد به ظاهر غذای سالمی است ولی در واقع دارای مقدار کم یا زیاد مواد شیمیائی است مانند حشره کش‌ها که برای سمپاشی نباتات و میوه‌ها به‌کار می‌روند هورمون‌ها مواد رنگ‌کننده، مواد معطر و مواد شیمیائی دیگر از این قبیل است.

ارتباط آلودگی محیط با بیماریها

امروزه ارتباط قوی بین آلودگی هوا و بعضی بیماریها مثل برنشیت، آمفیزم ریوی و سرطان شش‌ها وجود دارد. هرچه شهرها آلوده‌تر باشند این بیماریها نیز زیادتر دیده می‌شوند مقدار سرب درخون بعضی از کودکان بمقدار زیاد بالا رفته است. با بکار بردن وسیع د.د.ت. از این ماده حتی در شیر مادران نیز دیده می‌شود. خوشبختانه هنوز مقدار آن در شیر مادران به حدی نرسیده است که به طفل شیرخوار صدمه برساند.

دکتر "آرین زارکوور"^۲ استاد دانشکده کشاورزی پنسیلوانیا گزارش‌جالبی منتشر کرده است که بموجب آن قوه دفاعی بدن و حتی تولید "آنتی‌کور"^۳ در بدن کم می‌شود و این خود می‌تواند خطرناک باشد چه میدانیم بوسیله تشکیل این مواد در بدن، دفاع بدن در برابر میکربها قوی‌تر میگردد. برطبق مطالعه این دانشمند موش‌ها کلا در معرض تنفس ذرات زغال "سلفوردی اکسید" و

قادر بدفع آنها نیستند. بعضی از این مواد آلوده‌کننده محیط، به قدری قوی هستند که یاخته‌های پوششی مخاط تنفسی را فلج می‌کنند و براحتی وارد جریان خون می‌شوند. دود توتون یکی از این مواد است.

در شهرهای پردود و شهرهایی که کارخانه‌های زیاد دارند و شهرهایی که وسایل نقلیه دودزای فراوان دارند مواد زیان‌آور بمقدار خیلی زیاد در هوا پخش می‌شود این مواد ازدود و گازکربن دار و اکسیدکربن گرفته تا اسید سلفوریک و رشته ایاف پنبه نسوز دره‌های تنفسی شهرها بمقدار فراوان وجود دارند اگر این آلودگی توام با وجود مه در هوا باشد توقف این مواد دره‌های آن شهر بیشتر خواهد بود.

آلودگی آبها

درست است که آلودگی هوا در درجه اول اهمیت قرار دارد ولی آلودگی آب دریاها نیز حائز اهمیت است. این آب‌ها با مواد بالقوه خطرناک مانند نیتراتها که اغلب از شستشوی کودهای شیمیائی و فاضل‌آب‌ها حاصل می‌شود و فلزات سنگینی مانند جیوه و (کادمیوم)^۱ و سایر مواد خطرناک آلوده می‌شوند.

آلودگی غذاها

غذائی که امروز بشر متمسک

بیماران قلبی و مرگ و میر از این بیماری بادرجه آلودگی هوا ارتباط دارد. مقدار بیماری درنواحی آلوده دو برابر مناطقی است که دارای هوای سالم و صاف است و مرگ و میر نیز ده تا بیست در صد بیشتر است.^۵ و برطبق آمار، ۱۶ نوع از انواع سرطانها در نواحی پر جمعیت شهری بیش از حومه است.



" نیتروزاکسید " که از مواد معمولی هوای آلوده هستند قرار گیرند در مقابل تزریق میکربهای بیماری نیز نمی توانند به قدر معمول و کافی آنتی کور بسازند و بدین ترتیب است که هوای آلوده مقاومت بدن را در دفاع از بیماریها کم می کند و بر طبق مطالعات همین دانشمند هوای آلوده انسان را به آلرژی یا حساسیت مستعد می سازد.

1-(CADMIUM)

2-(ARIAN.ZARKOUER)

3-(ANTILORP)

4-(L.D.ZEIDBERG)

5-(ARCHIVES.OF.ENVIRONMENTAL.HEALTH 1967.)

ارتباط بین هوای آلوده و بیماریهای قلبی و عروق نیز وجود دارد. بر طبق تحقیقات دکتر " زیدبرگ " ^۴ در ناحیه ناشویل ایالت تنسی آمریکا، تعداد

● بقیه، تقیه ...

سپس امام (ع) فرمود خداوند پیامبرش را به وسیله " تقیه " اندرز داد (و به او فرمان داد که برای تحبیب مردم با آنها مدارا کند)^۳



اشتباه نشود مفهوم این سخن آن نیست که پیروان مکتب حق دست از مکتب خود بردارند و در دیگران حل شوند بلکه مقصود آن است که در زمینه هدفهای کلی و اصولی با بلندنظری، و آینده نگری و گذشت و فداکاری، به مسائل بنگرند و در برابر دشمنان مشترک روی نقاط مشترک تکیه کنند و از آنچه مایه ی تفرقه است بپرهیزند و اگر از مسائل اختلافی سخن می گویند کاملا در چهار چوب بحثهای منطقی و دوستانه سخن گویند و به محض اینکه کار به مشاجره و مطالب غیر دوستانه می رسد فوراً سخن را قطع کنند. این دستور مخصوصاً برای امروز مسلمانان که از یک سو در چنگال صهیونیست غاصب و زورگو و لجباز و از سوی دیگر در چنگال استعمار وسیع جهانی گرفتارند نهایت ضرورت را دارد.

۱-۲- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۷۱ ۳- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۶۳

انگیزیسیون

بزرگترین جنایت کلیسا

بشریت هرگز جنایات محکمه تفتیش عقاید را فراموش نخواهد کرد
و کلیسا نمی‌تواند این لکه‌نگ را از دامن تاریخ خود بزدايد . .



مشرق‌زمین آشنا شده بود و یکی از غنائم
بدست آورده‌شان آگاهی از علوم و فنون
دانشمندان اسلامی محسوب می‌شد، درصدد
برآمد تا از طریق تحقیق، پیجویی از
روشهای علمی مسلمانان، قدم در صحنه
دانش جدید بگذارد .

اما آن آگاهی و این چنین تصمیم
برای روشنفکران اروپا ارزان بدست
نیامد، زیرا در ابتدا یعنی بهنگام گرم
و گداخته بودن کوره جنگ، متحمل
تلفات سنگین شد، و پس از آن هم که
بفکر بهره‌برداری از دست‌آوردهای جنگ
و بکار گرفتن روشهای علمی مسلمانان
افتاد، دچار سخت‌ترین مشقات و شکنجه‌ها
گردید .

از جنایات تاریخی و فراموش
ناشدنی اربابان کلیسا که بر دامان تیره
تاریخ این مذهب، به صورت لکه‌نگی
تجلی می‌کند، داستان " محکمه تفتیش
عقاید " یا " انگیزیسیون " است .

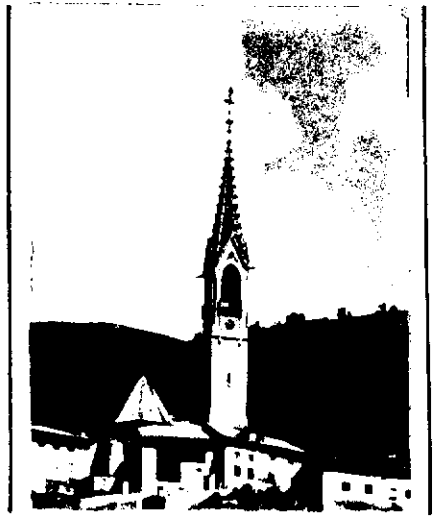
سردمداران کلیسا با همه تاکید
و اصراری که اناجیل برای عدم مقاومت
حتی در برابر شریر دارد و پیروان خود
را به بردباری و محبت به هم‌نوع فرمان
می‌دهد، با خشونت‌های غیر قابل وصفی
به سرکوبی دانشمندان و روشنفکران و نابودی
افکار مترقی همت گماشتند .

اروپا که از راه جنگهای صلیبی
به عمق اندیشه و وسعت اطلاعات مسلمانان

برای مبارزه با این تحول فکری اتخاذ کردند.

و اینک جنایات محکمه تفتیش عقاید؟

در قرن سیزدهم میلادی محکمه تفتیش عقاید، توسط کلیسای کاتولیک تاسیس شد تا با کسانی که به خود اجازه کمترین تخطی از اصول و معتقدات انجیلی را می دادند مبارزه کنند و با پیشرفت علم و دانش و نهضت‌های انقلابی مقابله نمایند.



سازمان انگیزسیون ده ها هزار انسان را شکنجه داده و زنده زنده در آتش سوزاند. در ظرف مدت ۱۸ سال فقط رئیس یکی از دادگاههای تفتیش عقاید (ترکمارا) (TORQUEMADA) حدود ۱۵۲۲۰ نفر را به زنده سوختن در آتش محکوم کرد.^۱

تعدادی از این بدبختان فقط این اندازه مورد "لطف" این محکمه قرار گرفتند که پیش از به آتش انداختن، خفه‌شان کردند ولی چندتن از آنان در زیر شکنجه‌های غیر انسانی که به دستور این محکمه مقدس نسبت به ایشان اعمال می‌شد جان داده باشند؟ معلوم نیست و در تاریخ هم در این زمینه کمتر یاد شده است.



اربابان کلیسا به خیال خام خود تحولات علمی و کاوشهای دانشمندان را که برده از اسرار طبیعت برمی داشت و مشکلات پیچیده را یکی پس از دیگری حل می‌کرد، دست‌اندازی در کار خلقت خدائیی دانسته و لذا سخت در صدد مقابله با این جنبش علمی و نابودی آن انقلاب فکری برآمدند.

نظرهای علماء اندکاندک ابراز می‌شد و دانشمندان آراء علمی خود را در معرض آگاهی مردم و محافل علمی قرار می‌دادند. رهبران روحانی مسیحیت که این نهضت علمی را از یک سو (چنانکه گفتیم) مداخله در دستگاه آفرینش می‌پنداشتند و از دیگر سو، از دست رفتن عزت و سقوط سلطه‌ی خداگونه‌ی خود را لمس می‌کردند، روشی سخت و قاطع

شکنجه‌های وحشتناک؟

می‌شکست و از انواع شکنجه‌ها این بود که به زیر ناخنهای متهم سوزن فرو می‌کردند.

وقتی متهم بر اثر شکنجه‌های بی‌حساب نیمه‌جان می‌شد و برای خلاص از شر آن عذاب‌ها به هرچه که داوران محکمه از او می‌خواستند اعتراف می‌کرد، تازه او را یک گناهکار پشیمان به حساب می‌آوردند. و تنها لطف مخصوصی که در حق او می‌کردند، (چنانکه گفتیم) این بود که قبل از آنکه او را در آتش بیاندازند خفهاش می‌کردند.

برعکس، هرگاه اعتراف نمی‌کرد او را به عنوان "مرتد"ی که از کمرده پشیمان نیست زنده زنده می‌سوزاندند و گاهی نیز چنانکه در مورد "وانینی" (VANINI) فیلسوف اروپائی در سال (۱۶۱۹ میلادی) عملی شد، زبان محکوم را می‌بریدند و در حضور خود او زبانش را در آتش می‌انداختند و سپس خودش را می‌کشتند.^۲

عکس العمل همین جنایتها بود که موجی عظیم از "الحاد" و عداوت با مذهب در اروپا برخاست که عقاید دینی را در پهنه این قاره به خطر افکند و هرچه که روی و رنگی از مذهب داشت به ژرفای اقیانوس فراموشی سپرد.



محکمه تفتیش عقاید بسان یک سازمان جاسوسی و مرگ‌آور حکومتی دیکتاتوری در اثر کنترل های شدید و مراقبت‌های بیش از حد لازم، هاله‌ای از وحشت در افق زندگی مردم اروپا به وجود آورد.

سازمان انگیزشیون هرکسی را که به "کفر" و "الحاد" مظنون و یا متهم بود توقیف می‌کرد و به زندان می‌انداخت زندانیان را بانواع شکنجه‌مجبور می‌کرد تا به کلیه "جنایات" مورد اتهام محکمه، اعتراف کنند.

زندانیان متهم، اگر به گناهان ناکرده خود اقرار نمی‌نمودند شکنجه‌ها بازهم شدیدتر می‌شد، تا سرانجام از ایشان به گناهی که سزاوار چنین شکنجه‌ها باشند اعتراف بگیرند.

"کری‌ولف" که از محققان اروپائی است درباره انواع شکنجه‌ها می‌نویسد:

"ماموران محکمه تفتیش عقاید متهم را داغ می‌کردند، چنان آویزانش می‌کردند که اعضایش از جا در می‌رفت. باگاز انبر، تکه تکه از گوشت تنش را می‌کنند. دستها و پاها را در گيره های آهنی مخصوصی چنان می‌فشردند تا استخوانهایش به صدا در می‌آمد و

جان می دادند. ۵

" دانشمند شوروی، " لوزینسکی (LOZINSKI) در مقدمه‌ای که بر کتاب " شارل لئا (CHARLESLEA)

مورخ محاکم تفتیش عقاید نوشته است می‌گوید وقتی فکر میکنم که سازمان انگلیسیون در دامان کلیسا بسط و توسعه یافته و به انجیل متکی بوده است، تشریح آن برای ما بسیار مشکل می‌شود. " ۶

ممکن است بسیاری از مردم در نظر نخست این فکر به ذهنشان آید که کلیسای کاتولیک با تاسیس انگلیسیون در واقع پیوند خود را با انجیل و دستورهای آن و بطور کلی با مسیحیت گسیخته است، ولی در حقیقت چنین نیست.

زیرا در نگاه دقیق می‌بینیم که محکمه تفتیش عقاید با قساوت‌های ردیلانه خود و انجیل‌سازی نیز با نرمش‌فریبی‌های خویش نه تنها با هم مغایرت ندارند بلکه مکمل یکدیگر هستند.

آیا می‌توان گفت پدران روحانی و مهربان مسیحی در تاسیس سازمان انگلیسیون از انجیل در این مورد الهام نگرفته و استناد نجسته‌اند؟

" انجیل به آنها می‌آموزد که اگر کسی در من نماند مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود " ۷

بقیه در صفحه ۷۲

دژخیمان محکمه مقدس

می‌کوشیدند تا مراسم اعدام محکوم را هر چه ممکن است دردناکتر و وحشتناکتر اجرا کنند.

" ژوان آنتونیولورنت " ۳ که در اواخر قرن هیجدهم میلادی منشی محکمه تفتیش عقاید در " مادرید " بوده است چنین می‌نویسد:

قلم من از شرح این صحنه‌های وحشتناک عاجز است. زیرا من چیزی سراغ ندارم که به قدر این گونه رفتار قاضیان محکمه تفتیش عقاید، با روح احسان و رحم و شفقت عیسی مسیح که بارها در انجیل به آدمیان توصیه شده است مغایر باشد.

اومی‌گوید چون بر تعداد محکومان سوختن در آتش روز بروز افزوده می‌شد، حاکم " سویل " ۴ مجبور شد در خارج شهر در صحرائی بنام " تابلادا " (TABLADA) یک کوره دائمی از سنگ سازد که امروز بنام " کمادرو " (QUEMADERO) باقی مانده است. روی چهار گوشه بسام این کوره چهار مجسمه گچی بنام چهار پیغمبر افراشته بودند.

نودینان مسیحی که از دین خود برمی‌گشتند و به نظر اربابان کلیسا در الحاد خود پافشاری می‌کردند زنده زنده در آن کوره انداخته می‌شدند و در وسط آن آتش سهمگین و سوزان آهسته آهسته

مجهولات بمب نوترونی

از مجله فرانسوی "علوم و آینده" ترجمه مهندس ذبیح‌الله دبیر

آیا می‌توان اثرات پرتاب یک بمب نوترونی را روی یک ارتش جنگی پیش بینی کرد؟ تاکنون خود را تقریباً به این راضی کرده اند که به طریق خیلی ریاضی و بسیار انتزاعی تعداد کشته شوندگان در فواصل مختلف، از نقطه‌ی برخورد را حساب کنند. میدانید که بمب نوترونی با اثر زیاد زائی تضعیف شده و اثر تشعشع تقویت گردیده، انسانها را به علت تشعشع می‌کشد و قاعدتاً زیربناها و ساختمانها را دست نخورده باقی می‌گذارد. از آنجاست که استعمال آن روی منطقه‌ای چون اروپای غربی که اینقدر صنعتی شده باورکردنی می‌آید. زیرا برخلاف اسلحه‌ی هسته‌ای سنتی، بمب نوترونی هلاک مهاجمی را بدون تخریب ناحیه ممکن می‌سازد.

معذک بررسی اخیری که توسط "فاروق حسین" عضو اداره کاوشهای نظامی کینز کالج لندن، صورت گرفته نشان میدهد که مطلب بهیچوجه به ایمن سادگی نیست و کاربرد سوق الجیشی بمب نوترونی پیوسته مسائل حل نشده‌ای را مطرح می‌سازد.

فاروق حسین بدوا تذکر می‌دهد که تمام بمبهای هسته‌ای تاکتیکی "نوترونی" یا "غیر نوترونی" هنگامیکه در کشورهای خیلی پرجمعیت به کار برده می‌شوند بیشتر به علت تشعشعاتشان می‌کشند تا انفجارهایشان از طرف دیگر شدت تشعشعات الکتریکی و مغناطیسی یک بمب نوترونی تنها موجودات زنده را آسیب نمی‌رساند. تجهیزات الکترونی (مثلاً ارتباطات از راه دور و هدایت تانکها) شدیداً خسارت خواهند دید.

بنابراین بمب نوترونی به این "تمیزی" هم که خواسته اند بگویند نمی‌کشد و آلات و ادوات را جدا خراب خواهد کرد. بالاخره اثر پادزائی اش که البته کم کرده شده معذک قابل ملاحظه باقی می‌ماند و در صورتیکه روی یک شهر بیاندازند

قسمت مهمی از ساختمانها را منهدم خواهد کرد. برای استفاده از اثر تشعشعی اش بی اینکه خسارت مادی زیادی ببار آید می‌بایستی از نشانه‌گیری دقیق هدف، خودداری کرد. اما آنوقت ساکنان مقدار تشعشع کمتری دریافت خواهند کرد و نسبت قابل ملاحظه‌ای از آنان زود نخواهند مرد.

از اینقرار فاروق حسین از خود می‌پرسد قربانیهای دشمن که می‌دانند عنقریب خواهند مرد لیکن برای چند ساعت یا چند روز، روشن بین و بی عیب هتند چه خواهند کرد؟ بدیهی است که این مساله نیز قابل توجه و چشمگیر می‌باشد، خصوصا که اگر هم اثر مکانیکی یک انفجار محاسبه شود یا به آسانی به وسیله انفجارهای تجربی تعیین گردد هیچکس نخواهد توانست خود را ضامن رفتار و روحیهی سربازان "پرتوزده" قرار دهد. آیا یاس آنان به جنگجویی نهائی شان لطمه خواهد زد یا نه؟ البته این پرتو افکنیهای تجربی روی موشها یا دیگر حیوانات آزمایشگاهی نمی‌توانند به این سئوالات پاسخ گویند؟

بقیة ایران ۱۶-۱۸ م

عزادار مانده‌اند، و همه افکار و آرمان و احساس و عشق و نیاز و ایمان و حتی زندگی و شور و شوق و غم و درد و شعر و ادب و هنر و فرهنگشان و سراسر تاریخشان را به این خانواده وقف کرده‌اند.

این خانواده جاوید، پس از قرن‌ها همچنان بردل‌های ایرانیان حکومت می‌کند و حتی هنوز هم بطور عمیق، یک قدرت محرک معنوی و یک نیروی کنترل کننده اجتماعی بزرگ در جامعه ما بشمار می‌رود.

- ۱- اصفهان نصف جهان، صادق هدایت ص ۱۱
- ۲- هدایت در زندان زندگی، حسن حنائی صفحه ۱۳۵
- ۳- سوره الشعراء آیه ۲۵۰-۱۹۹ و نظیر این آیه در سوره فصلت نیز آمده است آیه ۴۴
- ۴- بحار الانوار ج ۹ چاپ جدید ص ۲۲۸ هرچند عجم بر غیر عرب اطلاق میشده است ولی طبق نظر مفسرین مورد توجه ایرانیان بوده است.
- ۵- ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۲۵۴
- ۶- نگاه کنید به کتاب "خلق و خوی ما ایرانیها" که جمال زاده نویسنده معروف اقوال فرنگیهارا درباره ملت ایران جمع‌آوری کرده است.

در دنیا چه خبر است؟



● الکلیسم ، بچه‌های آمریکائی را تهدید می‌کند

دروندگی آمریکائی‌ها ، قرص‌های مخدر همیشه مسأله‌ی بوده‌است اما در سالهای گذشته اعتیاد به الکل پس از چند ده سال بار دیگر مسأله شده است ، بسیاری از مروجان اجتماعی اکنون این مسأله را دشوارترین مسأله آمریکا تلقی می‌کنند بدترین جنبه‌ء این اعتیاد آن است که حتی کودکان دبستانی و نوجوانان را در بر گرفته است بسیاری از کودکان ۱۴ ، ۱۵ ساله الکلیک شده اند زیرا در برخی از سوپرمارکت‌ها آبجو ارزانتر از کوکاکولاست

در گزارش تازه انستیتوی الکل و الکلیسم ، چنین آمده است که ۶۳ درصد پسران ۱۲-۱۳ ساله و ۵۴ درصد دختران همسن و سال آن‌ها مشروب‌های الکلی مینوشند و این رقم در مورد پسران بزرگتر به ۹۳ درصد و در مورد دختران همسن آن‌ها ۸۷ درصد است .

در میان ده‌یازده ساله‌ها دست‌کم یکی از هر هفت تن هفته‌ی یکبار می‌نوشی می‌کند و مست می‌شود . ۹۰ درصد دانشجویان دانشکده‌های آمریکائی بیش از سه بار در سال مست می‌شوند دست‌اندرکاران این مسئله تقصیر این زیاد روی و اعتیاد به مشروب الکلی را بر گردن پدرها و مادرها می‌اندازند و می‌گویند بچه‌ها مشروب نوشی را از پدران و مادران خود فرا می‌گیرند .

دکتر موریس چانتر رئیس انستیتوی ملی الکل و الکلیسم به تازگی گفته است ، پدرها و مادرها خیال می‌کنند اگر پسرشان در یک میهمانی شبانه مست به خانه بیاید اهمیتی ندارد ، و اگر آن شب ، از پلیس به آنها تلفن شود که فرزندشان را مست و مدهوش در کنار خیابان یافته‌اند ، فقط اندکی ناراحت می‌شوند .

مساله الکلیسم در امریکا بنا بر گزارش همین انستیتو، در حدود ۲۵۰۰۰ میلیون دلار زیان دارد و این رقم جز زیان تصادم‌های ترافیک و جنایات ناشی از مستی می‌نوشان است.

● جان وین فریاد از خشونت و سکس:

فریاد "پاپادوک" یا "جان وین" پیرسینما هم از دست سازندگان فیلم‌های خشونت‌آمیز و گستاخانه به آسمان بلند شده است او میگوید سابقا از صحنه‌های مهوع سکسی و قتل و کشتارهای وحشیانه در فیلم‌ها خبری نبود فیلمبرداران جرأت نمیکردند صحنه‌های بی پروای جنسی را که این روزها مد روز شده است در فیلم بگنجانند اما امروز بر پرده سینماها جز اشکال و تصویرهای بی محتوا چیزی نمی‌بینیم.

من دویچه ده و چهارده ساله دارم و با اینکه استودیوهای فیلم برداری نسخه‌های آخرین فیلم‌ها می‌را در اختیار می‌گذارند با اینحال جرأت نمی‌کنم آنها را برای بچه‌ها نمایش بدهم و نمیدانم اگر فیلمهای والت دیسنی نبود چه چیزی به آنها نشان میدادم؟

"اطلاعات شماره ۱۵۱۲۱"

● استتار قویترین حربه حیوانات در پهنه تنازع بقا:

انسان پیوسته از گوناگونی رنگ حیوانات در تعجب بوده و از زیبایی‌های آن لذت برده است، شما به هر حیوانی که دقیق بشوید، از حشرات گرفته تا پستانداران و از خزندگان گرفته تا پرندگان با دنیای شگفت‌انگیزی از ترکیب رنگ، مواجه می‌شوید که هر کدام در نوع خود واقعا زیبا و جذاب است.

از سوی دیگر رنگ هر حیوان برای خودش یک عامل حیاتی فوق العاده مهم محسوب می‌گردد، زیرا همین رنگ و چگونگی ترکیب آن قوی‌ترین حربه موجود زنده برای ادامه حیات او در جهانی است که قانون جنگل با نهایت قدرت اعمال می‌گردد، حیوانات از رنگ خود و احتمالا تغییراتی که می‌توانند در آن بدهند، برای انتقال

خبر به هم‌نوعان خود، جذب و جلب طعمه، ترساندن حیوانات مهاجم، بی‌مزه جلوه دادن گوشت خود، در مقابل حیوانات مهاجم، جلب جنس مخالف و خیلی چیزهای دیگر، استفاده می‌کنند اما بلاشک جالبترین و درعین حال شگفت‌انگیزترین استفاده آن، از رنگ بدنشان استوار است.

یک چنین استتاری موجب می‌شود که جانور از یک عمر طبیعی بهره‌مند بشود و غذای کافی هم بدست بیاورد. باقرقره چمنی که در لانه خود روی تخم‌هایش می‌خوابد چنان مشابهتی با محیط اطرافش دارد که دشمنانش کمتر موفق به دیدنش می‌شوند و یا آن که ببر که در نیزارهای محل سکونت خود چنان در رنگ محیط است که تا وقتی که پنجه‌های نیرومندش را در بدن قربانی خود فرو نکرده است، دیده نمی‌شود. باید دانست که استتار، تنها دیده نشدن نیست در برخی از موارد حیوان کاملا در معرض دید است منتها تشخیص داده نمی‌شود برای مثال برگ و رجه شاخک کوتاه چنان شبیه به برگ‌های خشک و آفت زده است که وقتی روی گیاهی می‌نشیند براستی غیر قابل تشخیص می‌شود.

شکار و طبیعت شماره ۲۱۸

بقیه: از داری...

اسلام نه تنها عدم احترام مجلس رادر این‌گونه موارد، بدون مانع اعلام کرده است بلکه در برخی از مواضع، آنرا لازم نیز می‌داند.

خون‌ریزی و حیف و میل مال دیگران و از بین رفتن دست‌رنج مسلمانها و موجب رخنه در حدود حقوق خانواده‌ها و شیوع فساد در جامعه می‌گردد از اینرو



- ۱- بحار ج ۲۷/۲۰۸
- ۲- مستدرک الوسائل ج ۲/۱۰۸
- ۳-
- ۴- ثلاثه يستظلون بظل عرش الله يوم لا ظل له الا ظله جل زوج اخاه المسلم او اخده او كتم سره (خصال شیخ صدوق)